

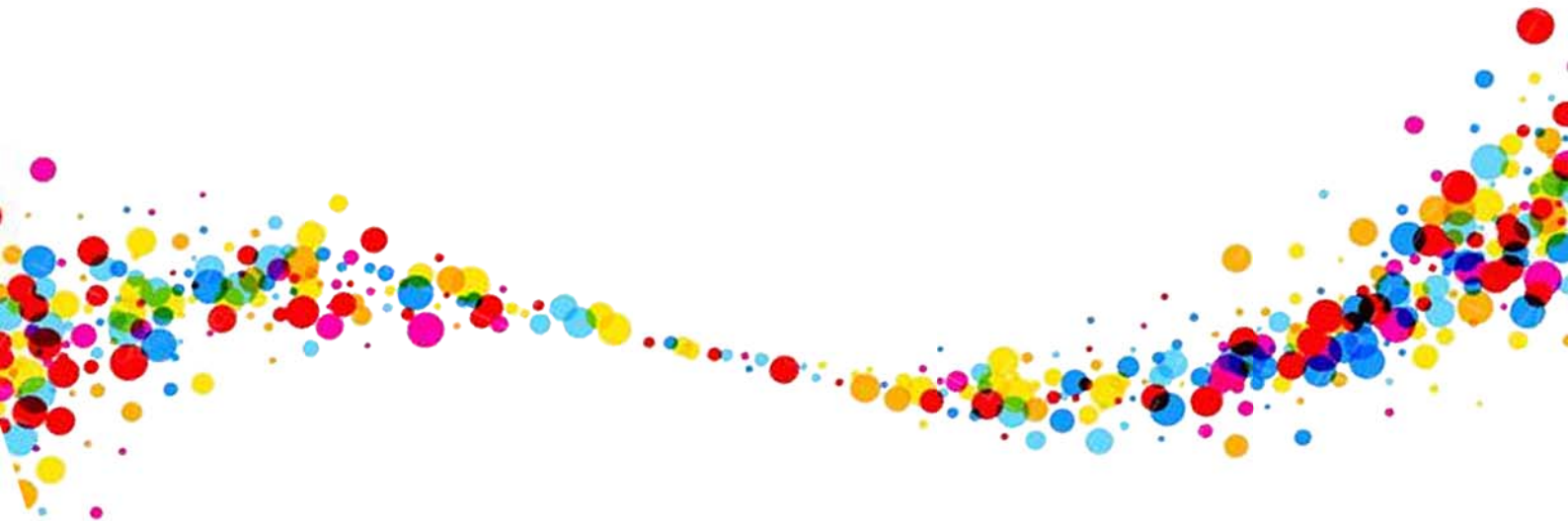
# مرجع سوالات و محتوای آموزشی

ابتدایی-دوره متوسطه اول و دوم

زبان خارجه - فناوری اطلاعات



[www.novinmad.ir](http://www.novinmad.ir)



**باسمه تعالی**

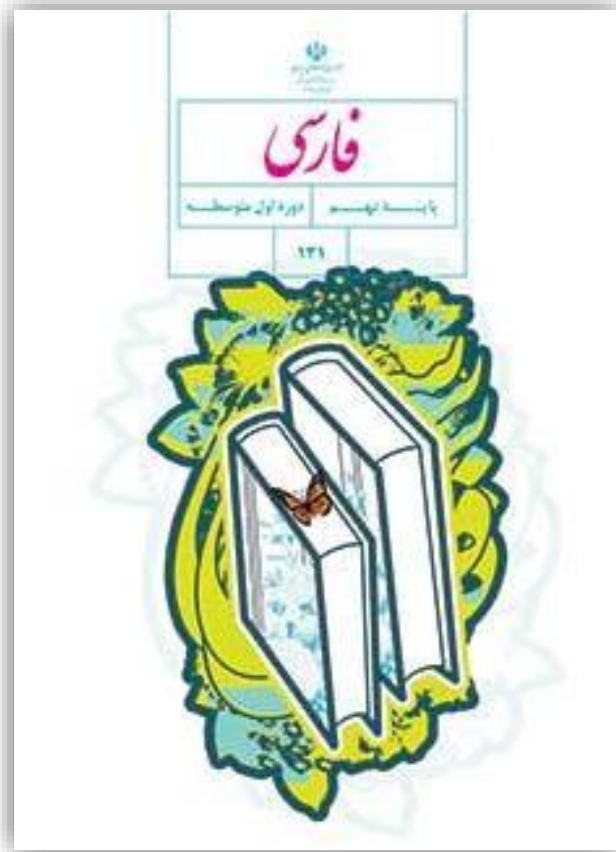
**معاونت اداره کل و مدیریت آموزش و پرورش شهرستان جهرم**

**دبیرستان دخترانه شاهد (دوره اوّل)**

**فارسی پایه نهم**

**نکته ادبی درس اوّل (آرایه های ادبی)**

**مدرس: تابان قربان جهرمی**



**سال تحصیلی: ۱۳۹۹-۱۴۰۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ  
مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ  
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

آیه ۶ / سوره سبأ

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده، می دانند که آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، و به راه خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده هدایت می کند.

## تفاوت زبان و ادبیات

هر گاه بخواهیم مقصود خود را ساده بیان کنیم از «زبان» استفاده می کنیم اما وقتی بخواهیم همان مقصود را زیباتر و تأثیر گذارتر بگوییم، از «ادبیات» بهره می گیریم

مانند: برگ درختان در بهار سبز می شوند. ← جمله زبانی

شاخه ی سبز هر لحظه زاید بچگانی همه خرد و زیبا. ← جمله ادبی

«ادبیات» را زبان هنری یا زبان برتر می نامند. زیرا با ادبیات منظور خود را زیباتر و دلنشین تر بیان می کنیم.

نویسندگان و سخنرانان برای تأثیر بیشتر و بهتر سخن و نوشته خود، از عوامل و عناصری استفاده می کنند که شنونده یا خواننده سخن و نوشته را مایل به پی گیری مطلب می کنند. این عوامل و عناصر را آرایه ادبی یا عناصر زیبا سازی سخن می نامند که برخی از آن ها عبارتند از:

۱۳- حس آمیزی

۱۴- نماد

۱۵- مجاز

۱۶- ایهام

۷- کنایه

۸- مبالغه

۹- ضرب المثل

۱۰- تلمیح

۱۱- تضمین

۱۲- تضاد

۱- تشخیص

۲- تشبیه

۳- مراعات نظیر (تناسب)

۴- تکرار

۵- واج آرایبی

۶- جناس



## تشخیص

هرگاه ویژگی و اعمال و رفتار انسانی را به موجودات پیرامون خود نسبت دهیم، به «انسان نمایی پدیده ها» پرداخته ایم؛ به این کار در ادبیات «تشخیص یا شخصیت بخشی» می گویند.

مثال: ۱- بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران      کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
۲- گل بخندید و باغ شد پدرام      ای خوشا، این جهان بدین هنگام

### نکته:

۱- گاهی آرایه تشخیص به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) می آید.  
مثال: مثل نوری در دل آینه است.

۲- هرگاه بعد از نشانه ندای «ای» غیر انسان قرار گیرد. اغلب آرایه تشخیص به وجود می آید، چون که با غیر انسان، در حال حرف زدن هستیم.  
مثال: ای باد بامدادان، خوش می روی به شادی

پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی

«تشبیه» همانند کردن میان دو یا چند چیز است . هر تشبیه چهار رکن دارد.

## ارکان تشبیه

۱- رکن اول (مشبّه): کلمه ای که به کلمه ی دیگر مانند می شود.

۲- رکن دوم (مشبّه به) : کلمه ای که « مشبّه» به آن مانند می شود.

۳- رکن سوم (وجه مشبهه) : ویژگی یا ویژگی های مشترک میان مشبه و مشبه به.

۴- رکن چهارم (ادات تشبیه): واژه هایی که نشان دهنده مشابهت است . از جمله واژگان معروف آن عبارتند از: « مثل ، چون ، چو ، همانند ، مانند ، گویی ، شبیه و ... »



مانند:

دوش گفتی ز تیرگی شب من

وجه شبه مشبه

زلف حور است و رای اهریمن

مشبه به مشبه به

در آرایه تشبیه ، چون مهم ترین پایه ی آن «**مشبه به**» است . برای درک تشبیه و یافتن «**وجه شبه**» بهتر است، ابتدا «**مشبه به**» را شناسایی کنیم.

تشبیه بر دو نوع است:

۱- **تشبیه مفصل**: همه ی ارکان تشبیه داشته باشد.

مانند: شادمان گشت و دو رخساره چون گل برافروخت

۲- **تشبیه بلیغ**: به تشبیهی که فقط «**مشبه و مشبه به**» آن ذکر شود، «**تشبیه بلیغ**» می گویند. این نوع تشبیه، زیباترین نوع تشبیه به شمار می آید.

تشبیه بلیغ بر دو نوع است. الف) تشبیه بلیغ اسنادی      ب) تشبیه بلیغ اضافی



الف) تشبیه بلیغ اسنادی: «**مشبه به**» به «**مشبه**» اسناد داده می شود. «**مشبه و مشبه به**» در جایگاه نهاد و مسند در یک جمله اسنادی می نشیند.

مثال: ۱- اشک، گوهری بود که از چشمانش می چکید.  
مشبه      مشبه به

۲- کتاب است آینه روزگار که بینی در آن رازها آشکار  
مشبه      مشبه به

ب) تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): هرگاه دو رکن «**مشبه و مشبه به**» با کسره (ـِ) به هم اضافه شوند، اصطلاحاً به آن «**اضافه تشبیهی**» می گویند که زیباترین نوع تشبیه است  
اضافه تشبیهی به صورت یک ترکیب اضافی ( مضاف و مضاف الیه ) می آید. معمولاً مضاف الیه که در اصل «**مشبه**» است، به مضاف که «**مشبه به**» است، مانند می شود .

مثال : چراغ دانش، صبح دانایی، درخت دوستی و ...

سوی من لب چه می گزی که مگوی لب لعلی گزیده ام که می پرس  
(شاعر لب (مشبه) را به لعل (مشبه به) مانند کرده است.

یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو  
↓ ↓ ↓ ↓  
مشبه به ۱ مشبه ۱ مشبه به ۲ مشبه ۲

مراعات النظیر

هرگاه گوینده در نظم و نثر کلماتی به کار ببرد که به نوعی با هم ارتباط و تناسب داشته باشند، به این آرایه «مراعات النظیر» یا «تناسب» می گویند.

مثال: من رشته ی محبت تو پاره می کنم شاید گره خورد به تو نزدیک تر شود

## تکرار

هرگاه نویسنده یا شاعر بخواهد بر چیزی تأکید کند، آن را تکرار می کند. این تکرار آگاهانه بر تأثیر سخن می افزاید. شاعران از تکرار برای زیبا سازی و تأثیر گذاری استفاده می کنند.

مثال: ۱- دانه تویی، دام تویی، باده تویی، جام تویی / پخته تویی، خام تویی، خام بمگذار مرا

۲- به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست // عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

## واج آرایی

به تکراریک یا چند حرف یا صدا در عبارت یا بیت «واج آرایی» یا «نغمه ی حروف» گفته می شود که یکی از زیباترین آرایه ها به شمار می آید.

مثال: ۱- رشته ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود

۲- شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

## جناس

هر گاه در شعر و نثر کلمه هایی آورده شود که دارای حروف مشترک و هم جنس باشند، به آن آرایه ی «جناس» می گویند.

مثال: آرام، رام / خویش، خویش / گل، گُل

جناس بر دو گونه تقسیم می شود: ۱- جناس تام ۲- جناس ناقص

### ۱- جناس تام:

اگر دو کلمه، املا و تلفظی یکسان ولی معنای متفاوت داشته باشند، «جناس تام» می نامند.

مثال: ۱- خواجه در ابریشم و ما در گلیم عاقبت ای دل، همه یک سر گلیم

خاک هستیم

نوعی فرش

۲- خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز جوید روان

روح

جاری

## ۲- جناس ناقص

اگر دو کلمه فقط در یک حرف یا یک حرکت اختلاف داشته باشند، «**جناس ناقص**» می نامند. که به سه شکل می آید:

الف) جناس حرکتی      ب) جناس اختلافی      پ) جناس افزایشی

**الف) جناس حرکتی:** دو یا چند کلمه ای که در تمام حروف مشترک هستند اما تنها ، در مصوت کوتاه (ـَ ـِ ـُ) با هم اختلاف دارند.

مثال : دَر، دُر / گِل، گُل / مِهَر، مُمَر

شکر کند چرخ فلک، از مَلِک و مُلک و مَلک      کز کرم و بخشش او ، روشن و بخشنده شدم

**(ب) جناس اختلافی:** دو یا چند کلمه که در یک حرف، اختلاف دارند، این اختلاف در اوّل، وسط و آخر است.

مثال: کار، بار / جلال، جمال / خروس، خروش

شبی چون شبه روی شسته به قیر      به بهرام پیدا نه کیوان نه تیر

**(پ) جناس افزایشی:** یکی از دو واژه فقط یک حرف بیشتر دارد.

مثال: آرام، رام / قامت، قیامت / دست، دسته

به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیار      که بحر دراز است و آدمی بسیار

## کنایه

در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است. عبارتی است کوتاه با دو معنای ظاهری و باطنی که همیشه معنای باطنی آن مد نظر گوینده است. (سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده معنای دور آن است.)

مثال: ۱- ایرانیان، بینی دشمن را به خاک مالیدند. ← کنایه از: دشمن را شکست دادند.

۲- هوا پس است. ← کنایه از: اوضاع مناسب نیست

۳- عیب کسان منگر و احسان خویش // دیده فرو بر به گریبان خویش

(دیده فرو بردن کنایه از: به فکر خود بودن)



## مبالغه

اگر شاعر یا نویسنده، صفتی را در فردی یا چیزی برجسته کند که طبق عرف و عادت رایج باور آن مشکل است و دست یافتن به آن صفت در دنیای واقعی، ناممکن باشد «اغراق» اتفاق می افتد. شاعر به کمک اغراق، معانی بزرگ را کوچک و معانی کوچک را بزرگ جلوه می دهد. در آثار حماسی، به ویژه شاهنامه فردوسی از این آرایه بیشتر استفاده شده است.

مثال: ۱- صدای تماشاگران گوش فلک را کر کرده بود. در ورزشگاه جای سوزن انداختن نبود.

۲- گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را      از نازکی آزار رساند بدنش را

## ضرب المثل

جمله، مصراع یا بیتی است که میان عموم معروف شده باشد و در بردارنده ی نکته یا لطیفه یا پندی است. ضرب المثل ها معنایی وسیع تر از معنای ظاهری خود دارند و مردم برای آن که مقصود خود را با کوتاه ترین صورت بیان کنند از ضرب المثل استفاده می کنند.

- مثال:
- ۱- زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد      به هوش باش که سر در سر زبان نکنی
  - ۲- از مکافات عمل غافل مشو      گندم از گندم بروید جو ز جو
  - ۳- نوش دارو بعد از مرگ سهراب.

«تلمیح» در معنای لغوی به گوشه ی چشم اشاره کردن و نگاه کردن است. هر گاه نویسنده یا شاعر در میان نوشته یا شعر خود به آیه، حدیث، داستان یا مثل مشهور و معروف اشاره کند و یا با گوشه ی چشمی به آن نظر داشته باشد، آرایه «تلمیح» گفته می شود

مثال: ۱- یا رب این آتش که در جان من است      سرد کن آن سان که کردی بر خلیل

(داستان سرد شدن حضرت ابراهیم (ع) تداعی می کند.)

۲- یکی را به سر بر نهد تاج بخت      یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

( اشاره به آیه: «تَعِزُّ مَن تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَن تَشَاءُ» دارد.)

## تضمین

بهره گیری و استفاده از شعرِ شاعری دیگر، آیه ی قرآن یا حدیث در نوشته، «**تضمین**» نامیده می شود.

مثال: ۱- سعدی شیرین سخن / گفت به فصل بهار / برگ درختان سبز / با خط رخشان سبز /  
«هر ورقش دفتری است معرفت کردگار»

۲- چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه ی «جَنَاتُ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ» داشت

## حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس در سخن است که باعث زیبایی سخن می شود.  
مثال: ۱- خبر تلخی بود. ( تلخی چشیدنی است اما خبر شنیدنی است.)

۲- حرف هایم مثل یک تکه چمن روشن بود

بینایی

شنوایی



## نماد (مظهر)

از دیرباز در ادبیات هر یک از عناصر و پدیده های طبیعت را نشانه یا مظهر چیزی دانسته اند که فهم این نمادها در دریافت هدف نویسنده یا شاعر بسیار مهم است.

مثال : سرو نماد آزادگی

شقایق نماد شهادت، عشق

بیابان نماد تشنگی

آب نماد پاکی

سیب نماد عشق، گناه

کوه نماد استقامت و پایداری.

عقاب نماد تیزبینی

طاووس نماد غرور

زیتون نماد صلح و ...

هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه «معنای حقیقی» و به معنای غیر اصلی آن، معنای «مجازی» می‌گویند؛ کلمه‌ای که در معنای غیر حقیقی به کار رود و ارتباط آن با معنای حقیقی خود رابطه شباهت و تشبیه نباشد. «مجاز» نامیده می‌شود.

مثال: ۱- ایران در مسابقات جهانی فوتبال شرکت می‌کند. ← «ایران» مجازاً تیم و بازیکنان فوتبال ایران است.

۲- جهان متفق بر الهیّش فرومانده از کنه ماهینش ← «جهان» مجازاً مردم جهان

۳- که تواند که دهد میوه‌ی الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟ ← «چوب» مجازاً درخت



در لغت به معنی «به تردید و گمان افکندن» است و در اصطلاح ادبی آن است که کلمه ای را در متن بیاورند که دارای دو معنی (یکی نزدیک و دیگری دور از ذهن) باشد و بتوان با هر دو معنی، متن را توجیه کرد. مانند: «بی مهر رخت؛ روز مرا نور نمانده است» کلمه ی «مهر» به دو معنای «محبت» و «خورشید» به کار رفته است.

مثال: آل احمد همه عطشان ز بزرگ و کوچک نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه  
واژه های «اکبر و اصغر» ایهام دارد. هم می توان «بزرگ و کوچک» معنا کرد و هم «علی اکبر (ع) و علی اصغر (ع)» توجیه کرد.

زندگی چون گل سرخی است.  
پراز خار و پراز برک و پراز عطر لطیف،

زندگی جنبش و جاری شدن است.  
زندگی کوشش و راهی شدن است.

از تماشا که آغاز حیات، تا به جایی که خدای دادند.

از توجه شما سپاس گزارم.